

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ جون ۲۰۲۰

به جای "ملاکشی" مردم را باید از "ملا" گرفت!

یکشنبه- ۲۵ جوزای ۱۳۹۹ - کابل: با کشته شدن ملا "عزیز الله مفلح" در مسجد "شیر شاه سوری" واقع کارته چهار شهر کابل در طی ۱۰ روز گذشته، دو تن از ملا های برجسته شهر کابل به قتل رسید، امری که برخی ها را به فکر اصطلاح "ملاکشی" نیز انداخت. در یادداشت امروز خواهم کوشید تا ابعاد نگفته این زنجیری را که فقط چند حلقه آن نمایان شده و یقیناً ادامه خواهد یافت، به بحث بگیرم:

۱- نخستین نکته، وجوه مشابه دو مقتول با یکدیگر اند. یعنی هر دو از لحاظ تباری تاجیک، از لحاظ مذهبی حنفی مذهب، از لحاظ سابقه ارتباط سیاسی متعلق به "جمعیت اسلامی" و "شورای نظار"، فارسی زبان، دارای تحصیلات عالی در رشته و مسلک شان و هر دو در دو مسجدی "پیشنماز" بودند که اکثریت نمازگزاران شان را قشر مرفه نزدیک به دولت دست نشانده تشکیل می دهد.

اختلاف آنها عمدتاً در دو نکته خلاصه می شد، در حالی که "ملانیازی" علناً از دولت دست نشانده و حاکمیت ارگ و نقش استعمار حمایت می نمود، "ملا مفلح" بی میل نبود که گاهگاهی بر دولت و رسانه ها به خصوص تلویزیون طلوع خرده گیری نماید.

۲- کشته شدن این دو ملا آنها چند روز بعد از مرگ "ملاکشاف" رئیس به اصطلاح "شورای سراسری علمای افغانستان"، در حالی که هر دو نفر از لحاظ مدارج تحصیلی و مهارت در فن سخنوری و تبلیغ، می توانستند در حلقه کاندیدان مقام "کشاف" قرار بگیرند، سوء ظن مستقیمی را متوجه دولت دست نشانده و نهاد های امنیتی آن می نماید، که نکند این قتل ها هدفمندانه به منظور باز کردن راه برای کاندید ارگ برای تصاحب مقام ریاست بر به اصطلاح "شورای سراسری علمای افغانستان" باشد!؟

۳- موضعگیری سفارت ایران و صدور اعلامیه بابت کشته شدن "ملا مفلح" و تقبیح آن حرکت، اگر به علت تقابل با تحریکات اخیر وزارت خارجه تحت حاکمیت جاسوس انگلیس "حنیف اتمر" علیه جمهوری اسلامی ایران نباشد و به هدف هشدار علیه دولت دست نشانده صورت نگرفته باشد، می تواند دم خروسی باشد که از یک سو روابط ملاهای معدوم را با نهاد های امنیتی رژیم دار و تازیانه آخذ های ایران نشان می دهد و از جانب دیگر با اعلام حمایت از مقتولان، مستقیماً اتهام کشتن آنها را به سمت دشمن منطقه ئی خودش، عربستان سعودی، نشانه گیری می نماید.
هموطنان گرامی!

این که دو ملای فوق را چه کس و یا نهادی کشته است و انگیزه قتل آنها چه بوده و چه تعدادی دیگری در لیست قاتلان قرار دارد، و نوبت بعدی به چه کسی می رسد، مسأله ایست که ممکن در آینده روشن گردد، تا آزمون یعنی تا مشخص شدن قاتل و قاتلان با استناد به گفته یکی از پیشوایان و فقهای برجسته جهان اسلام "امام غزالی"، شخص "غنی احمدزی" مسؤل قتل آنها شناخته شده می باید مورد مؤاخذه قرار گیرد.

هموطنان گرامی!

به نظر من کشتن ملا راه حل نجات از چنگ این قشر مفتخوار و طفیلی نیست، زیرا با کشته شدن یکی، فرد دیگری از همان قشر به "مردم سواری" آغاز می نماید، راه حل نجات از چنگالهای خونین قشر ملا، بردن و دادن آگهی به مردم و افشای ماهیت ضد انسانی این قشر مفتخوار است. یعنی باید با حوصله مندی تمام فهم و آگهی را بین مردم برد و مردم را از ملا گرفت، نه این که ملا را از مردم. در چنین صورتی یعنی وقتی مردم ملا را به صورت کامل بشناسد و بداند که در وجود هر ملا و آخندی، یک دشمن بالقوه خودش، فرزندانش و تاریخ کشورش مخفی شده است و دیگر به آنها مراجعه نکنند، نقش این قشر خاتمه خواهد یافت.

بلافاصله باید افزود چنین حکمی بدان معنا نیست که نیروهای انقلابی نباید بالای آنها دست بلند نمایند و آنها را به کیفر اعمال ننگین شان نرساند بلکه بدان معناست که نیروهای متعهد به انقلاب، ملا را نه به "جرم ملا بودن" بلکه به جرم اعمالی که از وی سر می زند، به جرم خیانت به وطن، به جرم جاسوسی برای بیگانگان، به جرم جنایاتی که مرتکب می گردند، حضوری و یا غیاباً مگر عادلانه محکمه نموده به کیفر اعمالش برساند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاندگی می باشد!

سرکها ما را می طلبند!